

## پایان جولان موتورهای لاکچری در کرمان

در عملیات پلیس امنیت کرمان ۲۳ دستگاه موتور سنگین و لاکچری قاچاق کشف شد

**توکلی-** پلیس کرمان به جولان موتورهای سنگین و لاکچری پایان داد.

فرمانده انتظامی استان کرمان گفت: با هدف برقراری نظم و امنیت شب های پر فیض قدر و افزایش ضریب امنیت شهروندان و در اجرای مبارزه بی امان با قاچاق کالا و بر خورد با مظاهر ناامنی در شهر، «ماموران پلیس امنیت عمومی مرکز استان به جمع آوری موتورسیکلت های سنگین و قاچاق که برای شهروندان ایجاد مزاحمت می کردند، اقدام کردند.

به گزارش خبرنگار ما سردار «ناظری» افزود: به همین منظور ماموران پلیس امنیت عمومی با تیزبینی و هوشیاری ۲۳ دستگاه موتورسنگین قاچاق و بدون مجوز گمرکی را شناسایی و توقیف کردند.

این مقام ارشد انتظامی با بیان این که کارشناسان ارزش ربالی موتورسیکلت های کشف شده را ۷۰ میلیارد ریال برآورد کرده اند، تاکید کرد: برقراری نظم و امنیت از مهم ترین وظایف پلیس است و پلیس اجازه نخواهد داد عده ای فرصت طلب آرامش و آسایش و نظم عمومی را به ویژه در این ماه مبارک و پر خیر و برکت برهم بزنند.

## نوجوان روستایی در برکه آب باران غرق شد

**کرمانی-** نوجوان روستایی هنگام شنا در برکه آب باران غرق شد.

به گفته رئیس هلال احمر شهرستان رودبار جنوب، این نوجوان ۱۶ ساله از اهالی روستای «رضاآباد» هنگام شنا در یکی از معدن های شنی که بر اثر بارندگی های امسال به یک برکه تبدیل شده است، غرق شد و جان باخت و دوستانش هم شاهد ماجرا بودند.

«آزاد رخت» با بیان این که با اعلام گزارش وقوع حادثه، نیروهای امدادی و غواصان هلال احمر رودبار جنوب و گروه امدادی نجات غریق از شهرستان های بم و عنبرآباد تلاش برای یافتن جسد فرد غرق شده را آغاز کردند، افزود: به علت تاریکی هوا عملیات جست و جو به صبح پنج شنبه موکول شد.

وی خاطر نشان کرد: پس از جست و جوی تیم های امدادی جسد این نوجوان پیدا و تحویل پزشکی قانونی شد.

قانونی فرماندار رودبار جنوب هم اظهار کرد: متأسفانه در شهر های جنوبی کرمان به علت نبود استخر شنا، کودکان و نوجوانان برای شنا و آب تنی وارد برکه های طبیعی آب می شوند که خطر آفرین و مرگبار است. به گزارش خبرنگار ما این هفتمین غرق شدگی در یک هفته گذشته در استان کرمان است.

## ۱۰۰ مصدوم در آتش سوزی خیابان حکیم شفايي اصفهان

بامداد دیروز وقوع آتش سوزی در یکی از مجتمع های مسکونی خیابان حکیم شفايي اصفهان سبب مصدوم شدن تعدادی از ساکنان آن شد.

به گزارش تسنیم، با حضور به موقع نیروهای آتش نشانی و اطفای حریق، شعله های آتش بدون تلفات جانی مهار شد. براساس اعلام سخنگوی اورژانس کشور حدود ۱۰۰ نفر از ساکنان مجتمع که دچار دودزدگی شده بودند، در محل به صورت سریایی در مان پذیرفته شدند. علت حادثه نیز در دست بررسی است.

## سومین سر نشین پژو پارس هم به قتل رسید

# دهلیزهای وحشت در جنایت رگباری!

اولین تصاویر قاتلان فراری در روزنامه خراسان منتشر شد



شهرک رضویه رفتند و خواهرزاده های «علی-ت» را در یکی از خیابان های شهرک رضویه سوار بر یک دستگاه پژو پارس سفید رنگ مشاهده کردند که رانندگی خودرو را «محمد-ب» (مرد ۵۰ ساله) به

عده داشت. آن ها به تعقیب پژو پارس پرداختند و پس از شلیک چند گلوله از عقب به سمت شاگرد حرکت کردند و در کنار خودروی پژو پارس قرار گرفتند و آن را به رگبار بستند به گونه ای که آثار حدود ۲۰ گلوله روی بدنه خودرو باقی ماند. با اصابت تعدادی از گلوله های شلیک شده از سلاح کلاشینکف به سر نشینان، راننده خودرو (محمد-ب) در دم جان سپرد و دو خواهر زاده «علی-ت» به مرکز درمانی انتقال یافتند. در همین حال یکی از آنان به نام «محمد رضا-ضی» (۳۸ ساله) قبل از رسیدن به اتاق عمل جان خود را از دست داد و خواهرزاده ۲۴ ساله دیگر او به نام «حسین-ض» مورد عمل جراحی قرار گرفت اما تلاش کادر درمانی برای نجات آخرین مجروح حادثه نیز بی نتیجه ماند و او حدود ساعت ۳

آن سوی خط خطاب به میزبان آغاز شد به گونه ای که میزبان (علی-ت) را به شدت عصبانی کرد. او که صدای طرف مقابل را از پشت تلفن می شنید و از قبل هم اختلافاتی با یکدیگر داشتند، از «حسین» خواست تا در محله خادم آباد سر قرار بیاید و از نزدیک حرفش را بزند.

این ماجرا سر آغاز یک درگیری هولناک شد و «علی-ت» به همراه پسر ۲۲ ساله اش سر قرار رفتند و با «حسین» درگیر شدند. در این میان وقتی صدای شلیک گلوله در فضا پیچید، مرد ۴۹ ساله (علی-ت) و خانواده اش به داخل منزل گریختند و همزمان با حضور گشت پلیس حسین خالقی (متهم فراری) با مرد میان سالی به نام «محمد-ب» (یکی از مقتولان) تماس گرفت و از او سوال کرد: «الان کجا هستی؟» وقتی پاسخ شنید که در منزل «علی-ت» هستم، ناگهان فحاشی ها از



تصاویر مقتولان و خودروی سوراخ سوراخ شده آن ها

## زلزله ۴/۴ ریشتری در «پیشین» سیستان و بلوچستان

دیروز خسارتی از زلزله عصر جمعه ۲۶ اردیبهشت در «پیشین» گزارش نشده است. بخش پیشین از توابع شهرستان سرباز سیستان و بلوچستان و در همسایگی کشور پاکستان واقع شده است.

دقیقه عصر روز جمعه به بزرگی ۴/۴ ریشتر و در عمق ۱۰ کیلومتری زمین رخ داد. عباسعلی ارجمندی با بیان این که با توجه به شدت زلزله نیروهای هلال احمر در حال اعزام به منطقه هستند افزود: تاکنون (شامگاه

زمین لرزه ای به بزرگی ۴/۴ ریشتر در عمق ۱۰ کیلومتری زمین، حوالی پیشین سیستان و بلوچستان را لرزاند. مدبرکل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان به ایرنا گفت: این زلزله ساعت ۱۷ و ۲۲

## مرگ دلخراش تکنیسین تعمیرات در میکسر خط تولید!

محل مشخص شد تکنیسین تعمیرات این کارخانه، به دلیل ناملعومی در دستگاه میکسر خط تولید این مجموعه دچار حادثه شده که این اتفاق مرگ دلخراش این فرد را در همان لحظات اولیه رقم زده بود.

سرآتشبار «علی اخلاقی» افزود: نجاتگران آتش نشانی جسم بی جان این جوان حدود ۲۳ ساله را از لابلای ۱۲۵ مبنی بر وقوع حادثه برای تکنیسین تعمیرات در یک کارخانه، ستادفرماندهی بلافاصله گروه نجات ایستگاه شماره ۳۶ را به محل حادثه در شهرک صنعتی توس مشهد اعزام کرد.

افسر نگهبان آتش نشانی شهر مشهد ادامه داد: با حضور نجاتگران آتش نشانی در

را با روش های علمی پیگیری و در یک عملیات پیچیده پلیسی سه متهم پرونده را شناسایی کردند و تحت تعقیب قرار دادند.

سرטיפ قربان زاده گفت: کارآگاهان طی ۷۲ ساعت توانستند با ردزنی های دقیق سه متهم پرونده را دستگیر کنند که در این عملیات دو دستگاه خودروی سرقتی و یک قبضه اسلحه نیز کشف شد. این مقام ارشد انتظامی استان خراسان رضوی خاطر نشان کرد: کارآگاهان پلیس آگاهی خراسان رضوی، یک باغ در منطقه شاندیز را که متهمان شمش های طلا را در آن مخفی کرده بودند بازرسی کردند و با کشف اموال مسروقه، تحقیقات با دستورات مقام قضایی در باره این پرونده همچنان ادامه دارد.

## متهمان پرونده سرقت مسلحانه شمش طلا در چنگ قانون

جانشین فرماندهی انتظامی خراسان رضوی از دستگیری سه متهم پرونده سرقت مسلحانه شمش طلا در مشهد خبر داد. به گزارش خبرنگار پایگاه خبری پلیس، سردار ابراهیم قربان زاده گفت: در پی گزارش سرقت مسلحانه شمش طلا در روز ۲۲ اردیبهشت امسال که با تیراندازی متهمان در محدوده بولوار فرودگاه مشهد همراه بود و با توجه اهمیت و حساسیت موضوع دستورات لازم برای پیگیری سریع پرونده صادر شد. جانشین فرماندهی انتظامی استان خراسان رضوی افزود: کارآگاهان مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی در این اقدام گسترده با هدایت های تخصصی مقام قضایی، سرخ های به دست آمده

**۱۵۰۰ متر انبار در موقعیت مکانی مناسب با بهترین امکانات شامل نگهبانی ۲۴ ساعته**

**دوربین مدار بسته- ۴ دستگاه لیفتراک - با کادری مجرب آماده ارائه خدمات انبارداری جهت کالاهای شما می باشد**

**تلفن تماس:**

**۰۹۱۵۱۰۶۹۲۵۳**

**صفحه آرایی**

واحد صفحه آرایی روزنامه خراسان  
سفارش می پذیرد  
☎ ۰۵۱۳۷۰۰۹۳۹۰  
✉ layout@khorasannews.com

**گمشده**

**اقدس قاسم نژاد نامفی**

**۶۵ ساله**

دارای اختلال حواس  
از تاریخ ۱۳/۲/۹۷ از منزل  
واقع در مشهد بلوار پیروزی  
خارج و تاکنون هیچگونه  
مراجعه نداشته  
در صورت مشاهده با شماره های زیر  
تماس حاصل فرمایید.

**۱۱۰ و ستاد خبری پلیس آگاهی** ۰۵۱-۲۱۸۲۵۲۶۷  
**دلیز** ۰۹۳۰۴۵۳۶۸۸۷

**لوکس سازی دمخدا**

**لوح تقدیر، آلبوم بله برون...**

**۰۵۱۵۱۰۰۵۰۸۰۱**

**جناب آقای مسعود حسینیان**

**اینجناب علی جهان بین از سال ۱۳۶۳ با شما**  
**در امور کاری همکاری داشتیم از آن زمان از شما**  
**اطلاعی ندارم. لطفا جهت دیدار یکدیگر کسانی**  
**از ایشان اطلاعی دارند با شماره تلفن ذیل تماس**  
**حاصل فرمایید.**

**۰۹۱۵۳۱۰۲۸۷۴**

**با تهیه فیش حج**

**به سرزمین وحی سفر کنید**

**خرید - فروش - نمتج - عمده**

**نیش معلم ۱۳ - پلاک ۱**

**۶۹- ۱۱۶۸ ۴۵۱ ۹۱۵**

## حمله مهاجمان خیالی!

وقتی با سر و صدای همسر و وحشت زده از خواب پریدم، او را چاقو به دست بالای سرم دیدم که به دنبال مهاجمان خیالی می گردد. او تصور می کرد افرادی از در و دیوار به خانه حمله ور شده اند و...

این ها بخشی از اظهارات زن ۳۰ ساله ای است که به خاطر نداشتن امنیت جانی و کتک کاری های همسرش به قانون پناه آورده بود. این زن جوان با بیان این که دلم برای نوزاد شیرخواره ام تنگ شده است عاشق مادری هم نمی توانم مرا به آن زندگی جهنمی بازگرداند، سرگذشت خود را به ماجرای از دواجش گره زده به کارشناس اجتماعی کلانتری شفای مشهد گفت: حدود یک سال از پایان تحصیلات دانشگاهی ام در رشته ادبیات فارسی می گذشت که «انوشیروان» به خواستگاری ام آمد. او در زمینه تاسیسات ساختمانی و تعمیرات کولر فعالیت داشت و جوان سر به راهی به نظر می رسید به گونه ای که سکوت و کم حرفی او توچه مرا جلب کرد. اما این سکوت ررموز را به حساب ادب و خجالتی بودن او گذاشتم. خلاصه خیلی زود پای سفره عقد نشستیم و با گفتن «بله» سر نوشتم را به تیره روزی گره زدم اگرچه زندگی مشترکم را با دنیایی از عشق و امید آغاز کردم اما طولی نکشید که فهمیدم به روز سیاه نشستیم ام! انوشیروان که پنج سال از من بزرگ تر بود، بعد از گرفتن دیپلم و بر اثر معاشرت با دوستان ناباب به مصرف قرص های روان گردان آلوده شده بود. او چنان به این قرص ها اعتقاد داشت که آشکارا حالت طبیعی خودش را از دست می داد و رفتار و کردارش مانند بیمارمان روانی بود. اگرچه در همان روزهای آغازین زندگی مشترک این ماجرا را فهمیدم ولی دیگر کار از کار گذشته بود و من باید تاوان سختی را به خاطر تصمیم عجولانه ای می دادم که در انتخاب همسر گرفته بودم. هنوز چند ماه بیشتر از این زندگی بی سر و سامان نمی گذشت که در دو راهی تردید قرار گرفتم. نمی دانستم باید به زندگی مشترک با انوشیروان ادامه دهم یا از همین ابتدا مسیرم را از او جدا کنم. بالاخره تصمیم سختی گرفتم و این گونه قیچی طلاق ریل این زندگی سیاه را برید و من با سینه ای مالا مال از درد و چشمانی گریان در حالی به خانه پدرم باز گشتم که دیگر آن عزت و احترام قبل را نداشتیم. تصمیم گرفتم برای رسیدن به استقلال مالی به دنبال شغل مناسبی باشم چرا که احساس سربار بودن آزار می داد ولی نه تنها جست و جوهایی بی فایده بود و کار مناسبی پیدا نکردم بلکه با پیشنهادهای شرم آوری رو به رو می شدم که تا عمق وجودم زجر می کشیدم و از شدت خشم و عصبانیت می لرزیدم. در این شرایط بود که «شهرام» مرا خواستگاری کرد.

آن قدر روزهای سختی را می گذراندم و در برابر پیشنهاد های کثیف مقاومت می کردم که دیگر در دادن پاسخ مثبت به «شهرام» لحظه ای تردید به خود راه ندادم زیرا هر طور شده باید از این زندگی فلاکت بار را می شدم و فصل نوینی در زندگی ام رقم می خورد. دوست داشتم در کنار شهرام همه شکست های گذشته و تلخ کامی ها را فراموش کنم و به آینده امیدوار باشم. اما گویی بر سر نوشت من قلمی سیاه کشیده اند و روزگرم را با اتار و یود بدبختی بافته اند. چرا که رفتارهای عجیب و غریب شهرام در همان ماه اول زندگی مشترک مرا به شدت نگران کرد. شهرام را هر موضوع بچ و بوی اهمیتی چنان عصبانی می شد و پر خاشگری می کرد که چشمانش از حقه بیرون می زد و صورتش سرخ می شد. او به هیچ وجه نمی توانست خشم خود را کنترل کند به گونه ای که هر وسیله یا لوازمی به دستش می رسید آن را می شکست یا مرا به باد کتک می گرفت. گاهی با خودم هکلام می شد و به پنهان آن چه در خیالش می گذشت مرا کتک می زد که مثلا چرا در حضور برادرش حجاب ندارم! در حالی که کسی در منزل مان نبود و من و همسر تنها بودیم. گاهی نیز نیمه شب با چاقو به موجودات خیالی حمله ور می شد و تصور می کرد افرادی از در و دیوار به خانه ما حمله کرده اند و با این خیال که به او خیانت کرده ام چاقو را زیر گلویم می گذاشت و...

آن روزها دخترم تازه متولد شده بود که من فرجام این زندگی را به سوگ نشستم زیرا فهمیدم همسر به شیشه اعتیاد دارد و دچار توهم می شود. چند ماه این وضعیت را تحمل کردم تا همسر اعتیادش را ترک کند اما او اعتیادش را انکار می کرد و مرا دروغگو می خواند! به دلیل این که دیگر امنیت جانی نداشتم با شرمساری و خجالت چمدانم را بستم و به تنهایی به خانه پدرم باز گشتم چرا که شهرام اجازه نداد نوزاد شیرخواره ام را با خودم ببرم تا با این گرو کشتی مرا وادار به بازگشت کند و...

شایان ذکر است به دستور سرگرد امارلو (رئیس کلانتری شفای مشهد) پرونده این زن جوان برای بررسی های کارشناسی و خدمات مشاوره ای در اختیار مددکاران اجتماعی کلانتری قرار گرفت.

ماجرای واقعی با همکاری پلیس پیشگیری خراسان رضوی